

در شهر «میانه» نوجوانی باهوش تمام کتابهای استادش را آموخته و چشم بسته آن ها را برای دیگر شاگردان می خواند.
استادش به او گفت به یک شرط می گذارم در امر آموزش دادن مرا کمک کنی.
شاگرد پرسید چه امری؟
استاد گفت آموزش بده اما نصیحت مکن.
شاگرد گفت: چرا نصیحت نکنم؟
استاد پیر گفت: دانش در کتاب هست اما پند آموزی احتیاج به تجربه و زمان دارد که تو آن را نداری زیرا خرد نتیجه باروری دانش و تجربه است.
شاگرد گفت: درس بزرگی به من آموختید، سعی می کنم امر شما را انجام دهم.
ارد بزرگ اندیشمند نامدار کشورمان می گوید: سرایش یک بیت درست از زندگی، نیاز به **سفری، هفتاد ساله** دارد.
گفته می شود سالها گذشت و تا استاد زنده بود آن شاگرد، کسی را اندرز نمی داد.
